

چکیده

امروزه سیاست خارجی نقش مهمی در سرنوشت کشورها بازی می‌کند. به این منظور، شناخت سیاست خارجی دولت‌ها و تبیین زوایای پنهان آن از جمله دل‌مشغولی‌های اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل به شمار می‌رود. تأمل در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از وجود هنجارها، اصول و اهداف ایدئولوژیک و عمل‌گرایی در سیاست حکایت دارد که در دهه‌های اخیر بروز و ظهور یافته است. در پژوهش حاضر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد و حسن روحانی بر اساس رویکرد عمل‌گرایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پرسش اصلی مقاله حول محور این‌گزاره است که عمل‌گرایی در سیاست خارجی دو دولت احمدی‌نژاد و روحانی بر اساس چه مفاهیمی استوار بوده و چه پیامدهایی را در عرصه داخلی و بین‌المللی در پی داشته است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی با تکیه بر منابع اسنادی با بهره‌مندی از اسلوب روش شناختی مقایسه‌ای می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد با توجه به رویکرد واقع‌گرایی نوکلاسیک، دو دولت احمدی‌نژاد و روحانی برداشت متفاوتی از عمل‌گرایی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی کشور داشته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر دو دولت با وجود تفاوت‌های گفتمانی در عمل از رویکردهای عمل‌گرایانه برای پیش برد اهداف خود بهره برده‌اند. دولت احمدی‌نژاد با گسترش روابط با کشورهای آمریکای لاتین و انعقاد توافق سوخت با ترکیه و برزیل در سال ۲۰۱۰، تلاش کرد از فشارهای بین‌المللی بکاهد. در مقابل دولت روحانی با پیگیری توافق هسته‌ای برجام و تعامل با نهادهای بین‌المللی همچون FATF مسیر تنش‌زدایی و بهره‌برداری اقتصادی از دیپلماسی را دنبال کرد. این تحلیل نشان می‌دهد که عمل‌گرایی صرف نظر از گرایش‌های ایدئولوژیک، عنصری مهم در جهت‌دهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

واژگان کلیدی: عمل‌گرایی، سیاست خارجی، ایران، روحانی، احمدی‌نژاد، واقع‌گرایی نوکلاسیک

۱. مقدمه و بیان مسئله

سیاست خارجی^۱ مجموعه ای از اهداف، تصمیمات، راهبردها و اقداماتی است که یک دولت در قبال دیگر کشورها و نهادهای بین المللی اتخاذ می کند تا منافع ملی خود را در عرصه بین المللی تامین کند. به عبارتی سیاست خارجی پل ارتباطی بین دولت ها و بازیگران جهانی است و چگونگی رفتار یک کشور در عرصه بین الملل را تعیین می کند. عناصر کلیدی سیاست خارجی عبارتند از: ۱- منافع ملی ۲- بازیگران سیاست خارجی ۳- ابزارهای سیاست خارجی. اهمیت سیاست خارجی عبارتند از: ۱- تامین امنیت ملی ۲- افزایش قدرت و نفوذ بین المللی ۳- توسعه اقتصادی ۴- مدیریت بحران ها و تعارضات ۵- حفظ هویت و فرهنگ ملی ۶- ایجاد اتحادهای راهبردی.

ساختار داخلی و چهره های سیاسی در سیاست خارجی یکی از مباحث مهم در روابط بین الملل و علوم سیاسی است که نشان می دهد چگونه عوامل داخلی یک کشور و شخصیت های سیاسی آن می توانند جهت گیری ها و تصمیمات سیاسی خارجی آن کشور را شکل دهند. ساختار داخلی شامل: ۱- نظام سیاسی ۲- نهادهای داخلی ۳- فشار های گروه های ذینفع اقتصاد داخلی. چهره های سیاسی عبارتند از: ۱- شخصیت رهبران ۲- دیدگاه ایدئولوژیک ۳- کارشناسان و تیم مشاوران ۴- استراتژی و دیدگاه بلند مدت.

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که با تغییر در چهره های سیاسی، رفتار سیاست خارجی نیز تغییر می کند. در این پژوهش رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد به عنوان دولت اصولگرا (عدالت محور) و دوره ریاست جمهوری حسن روحانی به عنوان دولت عملگرا (اعتدالگرا) بر اساس معیارهای نظریه واقع گرایی نوکلاسیک بررسی کرده و به دلایل و عوامل مؤثر در اتخاذ این رویکرد در سیاست خارجی بر اساس نظریه واقع گرایی نوکلاسیک می پردازیم.

محمود احمدی نژاد دو دوره پیاپی (۱۳۸۴-۱۳۹۲) رئیس جمهور ایران شد. این دولت یکی از بحث انگیزترین دولت های تاریخ معاصر ایران به شمار می رود. احمدی نژاد در سیاست خارجی و داخلی بیشتر رویکرد تقابلی و تهاجمی داشت. در دوره دوم نیز وارد تقابل با نهاد های قدرت شد. این دولت در مجموع با شعار (مهر ورزی و عدالت) آغاز به کار کرد اما عملکرد اقتصادی، سیاسی و مدیریتی آن همچنان محل نقد و تحلیل فراوان در داخل و خارج از کشور است. دولت روحانی در سال (۱۳۹۲-۱۴۰۰) به عنوان رئیس جمهور ایران انتخاب شد. او به عنوان دولت (اعتدال گر) با سیاستی میانه رو و مذاکره محور ظاهر شد اما در عمل تحت فشار دوگانه انتظارات عمومی و محدودیت های ساختاری قرار گرفت.

مسئله اصلی پژوهش این است که چه عوامل فردی، خرد داخلی و عوامل سیستمی در تدوین سیاست خارجی ایران نقش دارد که باعث می شود در دولت احمدی نژاد نگاه سیاست خارجی به سمت شرق باشد، ولی در دولت روحانی سیاست خارجی به سمت غرب و قدرتهای بزرگ تغییر کند.

در این پژوهش می خواهیم به این سؤال اصلی پاسخ دهیم که بر اساس مؤلفه های نظریه واقع گرایی نوکلاسیک در سطح ملی و بین المللی چه تفاوتها و شباهتهایی در سیاست خارجی دولت های احمدی نژاد و روحانی وجود دارد. این پژوهش نشان می دهد با توجه به رویکرد واقع گرایی نوکلاسیک، دو دولت احمدی نژاد و روحانی برداشت متفاوتی از عمل گرایی در تصمیم گیری سیاست خارجی کشور داشته اند. لذا به دنبال این هستیم که عوامل داخلی و بین المللی مؤثر در سیاست خارجی دولت احمدی نژاد و روحانی را بررسی نموده و دلایل اتخاذ جهت گیری رفتار سیاست خارجی دو دولت را با یکدیگر مقایسه کنیم.

۲. اهداف پژوهش

پژوهش حاضر اهدافی را بر اساس نظریه واقع گرایی نوکلاسیک دنبال می کند:

- ۱- شناخت الگو ها و روندهای سیاست خارجی دو دولت احمدی نژاد و روحانی با تکیه بر نقش عملگرایی بر اساس وجه عمده تفاوت ها و تشابه ها.
- ۲- نقش عملگرایی در سیاست خارجی این دولت ها در زمینه نظری و پیامدهای عملی آن در عرصه داخلی و خارجی.

^۱ Foreign policy

۳. روش شناسی پژوهش

با توجه به پژوهش حاضر که از نوع کیفی با استفاده از داده های غیر آماری است، نگارندگان در تلاش اند تا عملگرایی را در سیاست خارجی دولت های احمدی نژاد و روحانی با یکدیگر مقایسه کنند لذا از اسلوب روش شناختی مقایسه ای بهره گرفته اند. بر این اساس مقایسه نظام مند نقش عملگرایی را در چهار محور مفاهیم اصلی این روش - یعنی مورد، واحد تحلیل، متغیرها و واحد مشاهده - مورد توجه قرار داده اند. به این معنا که مورد، شامل سیاست خارجی این دو دولت، واحد تحلیل دربر گیرنده عملگرایی، متغیرها شامل دو متغیر مستقل و وابسته و واحد مشاهده تصمیمات، الگوها و روندهای دستگاه دیپلماسی دولت های احمدی نژاد و روحانی بر اساس منابع تاریخی و مکتوب در قالب سخنرانی ها و اعمال دستگاههای ذیربط در عرصه سیاست خارجی است.

در این پژوهش از روش تطبیقی استفاده شده است تا بتوان شباهت ها و تفاوت های دو دولت در میزان و چگونگی بکار گیری عملگرایی در سیاست خارجی را تحلیل کرد. داده های مورد استفاده از منابع رسمی، اسناد دولتی، گزارش های رسانه ای و تحلیل های پژوهشی گرد آوری شده است. تحلیل ها عمدتاً کیفی و با روش تحلیل گفتمان و تحلیل محتوای اسنادی انجام شده اند. انتخاب ابعاد تحلیل بر اساس پیشینه نظریه عملگرایی و مولفه های آن در ادبیات روابط بین الملل صورت گرفته است.

ابعاد و معیارهای تحلیل در مقایسه عملگرایی در سیاست خارجی دولت های احمدی نژاد و روحانی را می توان به شرح زیر بیان کرد:

شیوه تحلیل	منابع داده ها	نوع داده ها	معیار تحلیل	بعد پژوهش
تحلیل گفتمان سیاسی	سخنرانی ها، مصاحبه ها، اسناد سیاست خارجی	کیفی (متن سخنرانی ها، بیانیه ها)	مفاهیم کلیدی در سخنرانی ها و اسناد رسمی	گفتمان سیاست خارجی
تحلیل محتوای اسناد و داده های آماری	داده های سازمان ملل، وزارت خارجه، رسانه ها	ترکیبی (آمار و متون کیفی)	میزان تعامل با نهادهای بین المللی، مذاکرات، توافقات	سبک کنش دیپلماتیک
تحلیل تطبیقی	تحلیل سیاست الگوهای رفتاری دولت ها	کیفی	میزان انعطاف پذیری، ترجیح منافع ملی، رفتارهای واقع گرایانه	شاخص های عملگرایی
تحلیل پیامدهای سیاست ها	آمار تحریم ها، توافقات اقتصادی، موقعیت منطقه ای	کمی و کیفی	دست آوردها و شکست های ملموس سیاست خارجی	نتایج سیاست خارجی

۴. پیشینه پژوهش

پیش از این مقالاتی پیرامون رویکرد عمل گرایی و ایدئولوژی بر اساس نظریه واقع گرایی نوکلاسیک برای تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت های احمدی نژاد و روحانی بیان شده است اما پیرامون مقایسه عملگرایی در سیاست خارجی احمدی نژاد و روحانی زیاد بحث نشده است.

دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان، واقع گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بیان می کند: واقع گرایی نوکلاسیک به مثابه مناسب ترین چارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب دانسته که امکان تلفیق دو سطح داخلی و سیستماتیک و تبیین تأثیرگذاری متغیرهای فردی، بوروکراتیک، حکومتی و اجتماعی را فراهم می سازد.

حسین هژیرسرور و جلال دهقانی فیروزآبادی (۱۴۰۱) در مقاله ای با عنوان، مقایسه سیاست خارجی دولت های احمدی نژاد و روحانی بر اساس نظریه واقع گرایی نوکلاسیک؛ سیاست خارجی احمدی نژاد و روحانی را در سطح خرد

و کلان مقایسه می‌کنند بیان می‌کنند که در سطح خرد فردی شباهت میان دولت احمدی‌نژاد و روحانی این است که هر دو دولت نظم حاکم بر نظام بین‌الملل را یک نظم ناعادلانه و سلطه‌گری می‌دانند که تنها منافع کشورهای قدرتمند را تأمین می‌کند، اما تفاوتی که میان دولت احمدی‌نژاد و دولت روحانی در سطح خرد فردی وجود دارد در عرصه عمل است. در سطح کلان در مورد شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل در هر دو دولت به صورتی بود که از طرف کشورهای قدرتمند نظم بر نظام بین‌المللی تحمیل می‌گردید و یک ساختار مسلط وجود داشت که منافع کشورهای قدرتمند را تأمین می‌کرد. دولت احمدی‌نژاد رویکردی قاطعانه برای مقابله با این نظم سلطه‌گر داشت، درحالی‌که دولت روحانی رویکردهای نرم و تدریجی را برای مقابله با این نظم ناعادلانه اتخاذ کرده بود.

-ثمره (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان، نقش عمل‌گرایی در سیاست خارجی و گسترش روابط بین‌المللی، در نظر دارد تا به نقش عمل‌گرایی در روابط بین‌کشورها و ارتباط با سایر دولت‌ها با توجه به گسترش ارتباطات بین‌المللی و اهمیت تعاملات و مراودات در سیاست خارجی بپردازد. بدین ترتیب، عمل‌گرایی ابزاری تجربی و فلسفی است که نشان می‌دهد گزاره‌های متافیزیک هستی‌شناختی را باید کنار گذاشت و به مسائل عملی پرداخت.

-خسروی باباناری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم و امنیت منطقه خاورمیانه، به این نتیجه رسیده است که نگاه تیم سیاست خارجی دولت یازدهم و دوازدهم به موضوع نظم پایدار منطقه‌ای یک نگاه تعاملی بوده که در چارچوب رویکرد تنش‌زدایی و تعامل سازنده قابل پیگیری بوده است.

-باقری دولت آبادی، شفیع سیف آبادی (۱۳۹۵) در کتاب مشترک خود «از هاشمی تا روحانی» سیاست خارجی ایران را از زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی تا دولت حسن روحانی را بررسی کرده و به مقایسه سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد و دولت روحانی نیز پرداخته‌اند.

هریک از مقالات ذکر شده در بخش پیشینه تحقیق از زوایای مختلف پژوهش را پوشش و از آن بهره برده شده است. موضوعات بحث شده در این مقالات عبارت‌اند از: ۱- همسنگی سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد و روحانی ۲- نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک ۳- نقش عمل‌گرایی در روابط بین‌الملل ۴- سیاست تنش‌زدایی دولت یازدهم ۵- سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد و روحانی. تنها مقاله‌ای که به مقایسه مستقیم دو دولت احمدی‌نژاد و روحانی در سیاست خارجی از نظر رئالیسم نوکلاسیک پرداخته و با استفاده از مولفه‌های این نظریه سیاست خارجی دو دولت را مقایسه می‌کند مقاله‌ای است که توسط هژیر سرور و دهقانی فیروزآبادی تحت عنوان (مقایسه سیاست خارجی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی بر اساس نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک) می‌باشد.

۵. چارچوب نظری

عمل‌گرایی^۱

۱- تعریف مفهومی: عمل‌گرایی یک مکتب فلسفی است که ریشه در ایالات متحده آمریکا دارد و توسط فیلسوفانی مانند: چارلز پیرس، ویلیام جیمز توسعه یافت. در این مکتب، ملاک درستی یا معنای یک ایده یا نظریه، آثار و نتایج عملی آن در زندگی واقعی است. در حوزه سیاست و روابط بین‌الملل، عمل‌گرایی به معنای تمرکز بر نتایج ملموس و کارکردی تصمیمات سیاسی، به جای تکیه بر اصول انتزاعی یا ایدئولوژیک است.

۲- تعریف عملیاتی: به چگونگی اندازه‌گیری یا مشاهده تجربی یک مفهوم انتزاعی اشاره دارد؛ یعنی چگونه می‌توان عمل‌گرایی را در میدان تحقیق یا سیاست قابل سنجش یا تحلیل کرد. در حوزه سیاست و روابط بین‌الملل می‌توان گفت عمل‌گرایی به طور عملیاتی یعنی؛ گرایش به اتخاذ تصمیمات سیاسی یا بین‌المللی بر اساس منافع عینی، محاسبه هزینه - فایده و نتایج ملموس به جای تکیه بر اصول اخلاقی، ایدئولوژی یا آرمان‌گرایی.

نسبت عمل‌گرایی با رئالیسم نوکلاسیک:

در حوزه روابط بین‌الملل نسبتی نزدیک، مکمل و در مواردی همپوشان است. اما این دو رویکرد از نظر فلسفی و روش‌شناسی تفاوت‌هایی نیز دارند.

۱- عمل‌گرایی در روابط بین‌الملل: رویکردی است که تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را بر پایه نتایج عملی، منافع ملموس و شرایط واقعی می‌سنجد، نه بر پایه اصول اخلاقی یا آرمان‌گرایی.

^۱ Pragmatism

۲- رئالیسم نوکلاسیک: ترکیبی از رئالیسم ساختاری تاکید بر نظام بین الملل و توازن قدرت با عوامل سطح واحد ملی است، یعنی می‌کوشد رفتار دولت‌ها را هم با ساختار بین‌المللی و هم با عوامل داخلی مانند نهادها، ادراک رهبران، یا فشارهای اجتماعی توضیح دهد.

می‌توان گفت عملگرایی می‌تواند روش و منطق اجرایی رئالیسم نوکلاسیک باشد. رئالیسم نوکلاسیک به ما می‌گوید چه عواملی بر سیاست خارجی اثر دارند، ولی عملگرایی توضیح می‌دهد که سیاست مدار چگونه در میان این عوامل تصمیمی منطقی و کارآمد می‌گیرد. به عبارتی، اگر رئالیسم نوکلاسیک چهار چوب نظری باشد، عملگرایی رویکرد راهبردی و اجرایی درون آن است. یکی از نمونه‌های قابل توجه به کارگیری رئالیسم نوکلاسیک با منطق عملگراییانه، سیاست خارجی دولت حسن روحانی است به ویژه در دوره برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) این دوره نمونه‌ای از تلفیق واقع‌گرایی ساختاری با متغیرهای داخلی و یک رویکرد عملگراییانه برای تأمین منافع ملی ایران است.

واقع‌گرایی نوکلاسیک اولین بار توسط گیدئون رز^۱ مطرح شد. به عقیده وی در واقع‌گرایی نوکلاسیک، تلاش برای ترکیب نگرش رئالیستی با سایر سطوح خرد داخلی و عوامل کلان و سیستمی در تحلیل سیاست خارجی وجود دارد (محمودی کیا و دهشیری، ۱۳۹۹، ۱۴). از این منظر، واقع‌گرایی نوکلاسیک برخلاف دو رویکرد واقع‌گرایی کلاسیک و نواقع‌گرایی که بر متغیرهای سطح واحد و سطح سیستمی تأکید می‌کردند به دنبال اتخاذ رویکرد تلفیقی است که بر اساس آن، آثار عوامل سیستماتیک به‌عنوان متغیر مستقل و عوامل سطح واحد به‌عنوان متغیرهای مداخله‌گر یا میانجی در شکل دادن به سیاست خارجی دولت‌ها به‌عنوان عنصری وابسته توجه نشان می‌دهد (Rose, ۱۹۹۸, ۱۵۴).

بنابراین واقع‌گرایی نوکلاسیک به دنبال توجه نشان دادن به عوامل میانجی است که می‌تواند شامل؛ متغیر نگرش‌ها و برداشت تصمیم‌گیران سیاست خارجی، متغیر ساختار و قدرت داخلی دولت‌ها در داخل می‌باشد. متغیر ساختار و قدرت داخلی در این رویکرد می‌تواند معطوف به رژیم سیاسی، ساختار داخلی و بوروکراسی دولتی باشد (نیاکویی و صفوی، ۱۳۹۶، ۹۲). بنابراین عوامل داخلی نظیر متغیرهای فردی و حزبی و ساختار اقتصادی و اجتماعی نقش مهمی در چگونگی رفتار بازیگران در عرصه خارج و ارتباط با سایر کشورها دارد. رئالیسم نوکلاسیک بر آن است تا ضمن احیای رویکرد واقع‌گرایی، برخی اصول رویکرد نواقع‌گرایی را نیز در تحلیل خود بیاورد. ویژگی اصل رئالیسم نوکلاسیک که توسط رز مطرح شده تلفیقی از عوامل و متغیرهای مختلف بوده که در سطوح مختلف فعالیت می‌کند و هم عوامل داخلی و هم فشارهای سیستم بین‌المللی لحاظ می‌گردد (kozen-Karkout, ۲۰۱۹, ۲۰۷). باید گفت که واقع‌گرایی نوکلاسیک درصدد تجمیع دستاوردهای نظری دیدگاه‌های واقع‌گرایی است که تا حد قابل توجهی بتواند واقع‌گرایی را احیا نموده و سطح تحلیل جامع و کارآمدی ارائه نماید.

واقع‌گرایی نوکلاسیک درصدد است که عوامل ملی و بین‌المللی را در تحلیل خود بگنجانند و بر کاستی‌های نظریات واقع‌گرایی غلبه نماید. از این رو در نزد رز، تلاش برای ادغام و عوامل سیستمی و سطح واحد (نظام سیاسی) دیده می‌شود (Narizny, ۲۰۱۷, ۱۷۰). بنابراین هم متغیر دولت و عوامل درونی آن و هم متغیر سیستم بین‌الملل در اتخاذ تصمیم در سیاست خارجی مؤثر واقع می‌شوند. لذا به جهت توجه به متغیرهای کل و خرد، واقع‌گرایی نوکلاسیک به دنبال گذر از رویکردهای نظام‌مند است تا در چارچوب آن بتواند سازوکارهای داخلی را در زمینه بروز و وقوع رفتارها نشان دهد بنابراین رویکردی مصداقی خاص دارد و تفاوت میان واحدها نیز مورد توجه قرار می‌گیرد (سلیمی و ابراهیمی، ۱۳۹۳، ۱۷). بدین ترتیب از نظر رز و دیدگاه واقع‌گرایی نوکلاسیک، عوامل داخلی مانند ایدئولوژی سیاسی و اقتصادی، شخصیت‌های ملی با سیاست حزبی و ساختارهای اجتماعی و اقتصاد را تعیین می‌کنند که کشورها در خارج از مرزهای خود چگونه رفتاری بروز می‌دهند.

بررسی نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک گویای آن است که هم سیستم بین‌المللی و هم متغیرهای داخلی دارای نقش هستند و برای درک مسائل سیاست خارجی نیازمند در نظر گرفتن منطق رئالیسم ساختاری و سیاست خارجی هستیم (Waeyers, ۲۰۰۹, ۲۲۱). یعنی اینکه بتوان در سطح ملی و سیستم بین‌الملل نوعی منطق متوازن برقرار نمود و در راستای اثربخشی هر یک از آنان، رویکردی متعامل در نظر گرفت.

باتوجه به معیارها و مفروضه‌های نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک می‌توان گفت عملگرایی در درون نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک جایگاه ویژه‌ای دارد. واقع‌گرایی نوکلاسیک برخلاف برخی نظریه‌های صرفاً ساختاری به جزئیات واقعی و عوامل داخلی توجه دارد و می‌خواهد رفتار دولت‌ها را به شکلی توضیح دهد که در عمل قابل فهم و کاربرد باشد. این رویکرد نزدیکی به عملگرایی دارد زیرا هدفش ارائه توضیحاتی است که بتواند در فهم پیش‌بینی سیاست خارجی

^۲ Gideon Rose

دولت ها به کار رود. واقع گرایی نوکلاسیک به جای تکیه صرف بر یک عامل (ساختار قدرت) به ترکیب چند عامل و پیامد های عملی آن ها توجه می کند. این رویکرد مطابق رویکرد عملگرایانه است که به کارایی و کارآمدی نظریه عملگرایی اهمیت می دهد. عملگرایی تاکید دارد که نظریه ها باید تصمیم گیری های واقعی و عملی کند و واقع گرایی نوکلاسیک می کوشد تا رفتار رهبران و تصمیم گیری های سیاسی واقعی را که در عمل صورت می گیرد تحلیل کند نه نظری، کلی و انتزاعی. بنابراین واقع گرایی نوکلاسیک و عملگرایی در بسیاری از جنبه ها با هم سازگار اند. بنابراین می توان گفت سیاست خارجی دولت روحانی نمونه ای از واقع گرایی نوکلاسیک است. این دولت نه تنها به ساختار بین الملل (قدرت های جهانی و تهدید تحریم ها) توجه داشت بلکه متاثر از عوامل داخلی (رقابت سیاسی، فشار اقتصادی و درک خاص نخبگان) از موقعیت کشور بود. نتیجه این عوامل، انتخاب مسیر تعامل و مذاکره با قدرت های جهانی ، به ویژه در قالب برجام بود ولی سیاست خارجی احمدی نژاد تا حدی با واقع گرایی نوکلاسیک سازگار است زیرا عوامل داخلی (شخصیت رهبر، باورها، ساختار سیاسی) بر سیاست خارجی او تاثیر قابل توجهی داشت. اما برخی رویکردها و تصمیماتش بیشتر از حد معمول تحت تاثیر ایدئولوژی و باورهای شخصی که ممکن است با برخی مفروضات واقع گرایی نوکلاسیک ناسازگار باشد. از این رو، الگوی رفتاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بسته به ساختار و قدرت دولت، شرایط سیاست داخلی و بین المللی بین موازنه قوا، موازنه منافع و گسترش نفوذ منطقه ای در نوسان می باشد. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴، ۶۵).

۶-مقادیر و ملزومات سیاست خارجی دولتهای احمدی نژاد و روحانی

۶-۱- سیاست خارجی دولت احمدی نژاد

محمود احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴ به عنوان دولت اصولگرا (عدالت محور) روی کار آمد وی با رویکرد عدالت و مهرورزی در نظام فکری و رفتاری به تدوین سیاست هایی پرداخت که درصدد مبارزه با تبعیض ها و نابرابری ها بود. این دولت نظم و نظام بین الملل را آناشیک و ناعادلانه خوانده و سیاست تهاجمی و مبارزه با غرب را سرلوحه سیاست خود قرار داد. این سیاست باعث تنش روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با نظام بین الملل شد با تغییر ادبیات حاکم بر نظام بین الملل خواستار برچیده شدن آن و ایجاد یک نظم نوین جهانی مبتنی بر رویکرد عدالت شد. در اینجا به رئیس این رویکرد از منظر واقع گرایی نوکلاسیک پرداخته می شود.

۶-۱-۱- نقش عوامل حزبی در سیاست خارجی احمدی نژاد

رز در نظریه خود با عنوان واقع گرایی نوکلاسیک بر نقش شخصیت و تعلق حزبی توجه نشان داده است، Rose, (۱۹۹۸، ۱۴۸). جست و جوی همین عناصر در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد نشان دهنده آن است که علائق و نیات فردی، حزبی و تشکیلات و نهادهای حامی دولت، نقش مهمی در جهت دهی بر سیاست خارجی داشته اند. هرچند اگرچه مخالفت برخی اصولگرایان یا سیاست های منطقه ای احمدی نژاد مانند (روابط خاص با برخی کشورهای آمریکای لاتین) که بدون اجماع جناحی انجام می شد، نشان می دهد که اختلافات حزبی و عدم هماهنگی با بدنه اصولگرایی سنتی، در برخی مواقع سیاست خارجی او را تحت فشار قرار می داد. سیاست خارجی دولت احمدی نژاد آغاز به کار دولت نهم در مرداد ۱۳۸۴ گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نیز دستخوش تغییر و تحول درونی کرد. گفتمان جدید که سیاست خارجی دولت احمدی نژاد بر آن استوار شده بود بر این تأکید داشت که سیاست بین الملل نشانه های معطوف به عدالت بین المللی را نادیده گرفته است. به عبارت دیگر تغییر درجهت گیری سیاست خارجی ایران به این دلیل انجام پذیرفت که نخبگان جدید سیاسی و همچنین فضای اجتماعی حاکم بر ایران نسبت به سیاست های غرب کاملاً ناامید بودند، سیاست تبعیض آمیز را مورد انتقاد قرار داده و به این ترتیب از الگوی مقاومت مؤثر در سیاست خارجی استفاده کردند. به هر صورت محمود احمدی نژاد را باید شخصیتهی ایدئولوژیک گرا با اعتقاد شدید به آراء و عقاید بنیانگذار جمهوری اسلامی و با روحیه ای برتری طلبی ستیزجویانه تلقی کرد. احمدی نژاد بر سیاست خارجی فعال و تهاجمی به جای سیاست خارجی منفعل و تدافعی تأکید دارد (کشتگر، ۱۳۹۰، ۱۹).

۲-۱-۶- تقدم ایدئولوژی انقلابی بر سیستم (نظام بین الملل)

در نظریه واقع گرایی نوکلاسیک، متغیرهای سطح واحد (ملی) اهمیت خاصی دارند، زیرا متغیر به عنوان یکی از مجموعه های این نظریه است که بسیار متعدد هستند (Wohlfarth, ۲۰۱۱, ۴۹۵). گفتمان اصول گرایی با در نظر داشتن این پیش فرض که الگوی نظام و حکومت اسلامی الگوی برتر در جهان و حتی ابدی است و مشروعیت خود را از خداوند و احکام دینی می گیرد. خواستار صدور انقلاب و ارزشهای آن به دنیا شدند. بنابراین در گفتمان اصول گرایی نوعی بازگشت به شعارهای اولیه انقلاب از حیث صدور انقلاب و حمایت از گروهها، کشورها و مجامعی شدند که همسو با آرمانهای انقلاب اسلامی شدند. بدین ترتیب صدور انقلاب از جمله مهمترین دالهای گفتمان اصول گرایی در چارچوب مفصل بندی است. بر مبنای همین نگرش، صدور انقلاب در رأس کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره قرار گرفت.

۳-۱-۶- پیگیری برنامه هسته ای بدون ملاحظات سیستم (نظام بین الملل)

مسئله هسته ای ایران یکی از بحث های دغدغه آمیز در دهه اخیر بوده است. شاید یکی از دلایل این حساسیت از سوی دیگر کشورها، تصور شکل گیری یک دولت هسته ای با ایدئولوژی شیعی است که منجر به تسلط ایران هسته ای بر آنان می شود. احمدی نژاد با پیگیری مواردی چون محوریت بخشی به موضوع هسته ای در سیاست خارجی دولت، طرح فعال موضوع هسته ای در رسانه های داخلی و خارجی استفاده از ظرفیت حضور در مجامع بین المللی برای اعلام مواضع متعالی کشور نقش مهمی در کسب اعتبار، در دسترس قرار دادن و به کارگیری روبه طرد و برجسته سازی گفتمان هسته ای و در نتیجه هژمونیک شدن این گفتمان ایفا کرد. (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۴، ۴۳). توضیح اینکه فشار علیه برنامه هسته ای ایران در دهه هشتاد با قرار گرفتن نام ایران در محور شرارت آمریکا اوج گرفت. در این برهه دستگاه رسانه ای جمهوری اسلامی ایران در خدمت اهداف حاکمیتی قرار گرفت و ادبیات هسته ای برای مقابله با فشارهای بین المللی به طور خاص وارد ادبیات سیاسی و رسانه های کشور شد (سلطانی گرد فرامرز و اشرفی، ۱۳۹۷، ۱۱۰). این موضوع که با مذاکرات گوناگون در دولت اصلاحات منجر به یک توافق بین ایران و قدرت های اروپایی شده بود، به توافق پاریس منجر شد. براساس توافق پاریس، دو طرف بار دیگر بر تعهدات خود در توافق سعدآباد تأکید کردند. اما روی کار آمدن محمود احمدی نژاد در سال ۸۴، باعث رد شدن تعهدات ایران و کنار گذاشتن این تعهدات شد که در نهایت به از سرگیری فعالیت های هسته ای ایران و آغاز مجدد تنش ها با غرب و حتی کشورهای منطقه انجامید.

۴-۱-۶- ناسازگاری سطح واحد و سیستم

ایده واقع گرایی نوکلاسیک از جهت توجه به متغیرهای کلی و خرد و توجه به سازوکارهای داخلی در زمینه بروز و وقوع رفتارها یک نظریه متمایز است (سلیمی و ابراهیمی، ۱۳۹۳، ۱۷). از این منظر متغیرهای داخلی در سیاست خارجی دولت احمدی نژاد یعنی برخاستن از الهیات سیاسی و انقلابی یک نوع تعیین کنندگی و جهت دهی مهمی در عرصه سیاست خارجی دولت وی ایجاد کرده بود. ایدئولوژی به عنوان وجه مهم از دو وجه نظریه واقع گرایی نوکلاسیک که در قالب توجه به نظریه های آرمان گرایانه نمود یافته بود، در تحلیل سیاست خارجی دولت احمدی نژاد به عنوان یکی از متغیرهای مهم قابل ذکر است. زیرا در این نظریه به نقش ایدئولوژی و آرمان ها در نقش عاملی اثرگذار در سیاست خارجی توجه نشان داده شد (Rose, ۱۹۹۸)، بر همین اساس و در چارچوب ایدئولوژی انقلابی، ایده استکبارستیزی و عدالت طلبی به عنوان عوامل داخلی نقش مهمی در جهت دهی به سیاست خارجی دولت احمدی نژاد ایفا کردند. (زارعی، ۱۳۸۶ الف، ۱۰). دولت نهم و دهم بر ضرورت تعامل با ملت های عدالت خواه در جهان تأکید می ورزد. چرا که علاوه بر بهره گیری از بسیج توده ها در داخل، به عنوان پشتوانه سیاست خارجی و مسأله هسته ای، بر این باور است که تعاملات بین دولتی میتواند جمهوری اسلامی را در تحقق اهداف استقلال طلبانه و ضد سلطه گری یاری رساند.

یکی از مثال های عینی ناسازگاری سطح واحد (داخلی) و سطح سیستم (بین المللی) در سیاست خارجی دولت احمدی نژاد پرونده هسته ای ایران و قطعنامه های شورای امنیت است.

۵-۱-۶- دیپلماسی اقتصادی دولت احمدی‌نژاد

یکی از مواردی که در نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک مورد توجه بوده است اهمیت قائل شدن به ساختار اجتماعی و اقتصادی یک کشور است که نقش تعیین‌کننده مالی در رفتارهای سیاست خارجی آن کشور در خارج از مرزهای خود دارد (Rose, ۱۹۹۸, ۱۴۸). در همین راستا توجه به نیازهای اقتصادی، توانایی و محدودیت‌های اقتصادی در زمان ریاست جمهوری احمدی‌نژاد و آثار آن بر عرصه اقتصادی یعنی به‌طور مشخص دیپلماسی اقتصادی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ دارای اهمیت خاصی است. دولت احمدی‌نژاد بازگشت به آرمان‌های انقلاب در زمینه اجرای عدالت و مبارزه با فقر فساد و تبعیض را در سیاست داخلی و نفی نظام سلطه، تقویت نگاه به شرق، توسعه روابط با همسایگان و کشورهای اسلامی و جهان در حال توسعه و نیز تقدم نگاه منطقه‌ای در روابط بین‌الملل را در قالب یک «سیاست خارجی تهاجمی اما نرم افزارانه» را سرلوحه اهداف و برنامه‌های دولت خود قرار داد همچنین توسعه روابط با همسایگان و کشورهای در حال توسعه به‌ویژه در آفریقا و آمریکای لاتین با هدف متوازن‌سازی روابط سیاسی و اقتصادی با اولویت دنبال‌گردید و تقویت چندجانبه‌گرایی بخش مهمی از سیاست خارجی دولت را به خود اختصاص داد (ازغندی، ۱۳۹۶، ۶۶).

به نظر می‌رسد دولت احمدی‌نژاد با اتخاذ این سیاست‌ها به دنبال آن بود تا ضمن مقابله با تحریم‌های غرب، امکان اجرای یک دیپلماسی اقتصادی فعال را در روابط خارجی به‌ویژه برای مقابله با تحریم‌ها فراهم سازد. با این حال، اقدامات این دولت که از همان ابتدای کار محور اصلی برنامه سیاست خارجی خود را بر رویارویی با غرب بر سرحفظ دستاوردهای هسته‌ای قرار داده بود، آثار و پیامدهای منفی را برای روابط خارجی کشور به‌ویژه در بخش اقتصادی به دنبال داشت که از آن جمله می‌توان به توقف مذاکرات با اتحادیه اروپا در قالب موافقتنامه تجارت و همکاری، کاهش سطح مناسبات اقتصادی با کشورهای توسعه‌یافته، اعمال تحریم‌های اقتصادی بی‌سابقه (به‌ویژه در امور انرژی، بانکی، بیمه‌ای و فن‌آوری) و ایجاد وقفه در روند مذاکرات الحاق به سازمان تجارت جهانی اشاره کرد.

۲-۶- سیاست خارجی دولت روحانی

۱-۲-۶- کوشش برای ادغام سطح واحد (ملی) و سیستمی (بین‌الملل)

یکی از مباحث مورد تأکید واقع‌گرایی نوکلاسیک، تلاش برای ادغام عوامل سیستمی و سطح واحد «نظام سیاسی» است. (Narizny, ۲۰۱۷, ۱۷۰). در همین راستا دولت درصدد برآمد تا شیوه جدیدی در تعامل با بازیگران جهان، منطقه و نهادهای بین‌المللی ایجاد نماید که تصور مطلوبی از جمهوری اسلامی ایران ارائه شود. به‌طور مشخص یکی از گفتمان اعتدال در عرصه سیاست خارجی این بود که پس از استقرار هژمونیک به تحقق عینی دقیقه‌های گفتمانی ازجمله برداشت شکاف میان جامعه و حاکمیت اقدام نموده و پیوندی میان جامعه و زبان امنیت ایجاد کند (رحیمی، ۱۳۹۸، ۴۸). بدین معنا که بتواند ضمن دفع تهدیدات موجود در عرصه بین‌الملل ازجمله در ارتباط با پروژه هسته‌ای، مقابله با تهدیدات ضمنی و آشکار برعلیه جمهوری اسلامی را به شیوه دیپلماتیک حل نماید. اعتدال‌گرایی به این مفهوم تلقی می‌شود که هر یک از نهادهای داخلی در جای خود بصورت متوازن، در سیاست خارجی نقش آفرینی کنند و سیاست خارجی به نفع هیچ یک از این ساختارها قطبی و متمایل نشود. نتایج این سیاست خارجی ایران در روابط بین‌الملل را نیز می‌توان در پیگیری اصول مختلفی نظیر تعامل سازنده با دنیا، امنیت طلبی مثبت، عدالت طلبی، تحول‌گرایی معقول در نظام بین‌الملل، چندجانبه‌گرایی متوازن، توسعه‌گرایی متوازن، کمال‌گرایی، صلح طلبی، منزلت طلبی و تکلیف‌گرایی معطوف به نتیجه شاهد بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ۸).

۲-۲-۶- تعامل با سطح سیستم به مثابه تنش زدایی و صلح

در نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک این ایده مطرح شد که پیوند بین سطح نظام سیاسی (دولت) و سیاست خارجی بسیار پیچیده و در هم آمیخته است که البته نشان دهنده کثرت و تنوع است که در اتخاذ تصمیمات سیاست خارجی از سوی مجموعه عوامل و نه تنها یک عامل سیستم بین‌المللی صادر میشود (Lobell et al, ۲۰۰۹, ۱۵۳). بنابراین هم متغیر دولت و عوامل درونی آن و هم متغیر سیستم بین‌الملل در اتخاذ تصمیم در سیاست خارجی مؤثر هستند که همین رویه در دولت روحانی به عنوان یک مینا مورد توجه قرار گرفت. زیرا عمده کوشش این دولت بر این بود تا بتواند با رویکرد «برد-برد» نسبت به تعامل سطح ملی و سیستم (نظام بین‌المللی) اقدامات دیپلماتیک انجام دهد. براساس چارچوب یاد شده فوق، سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دولت یازدهم معطوف به تفاهم و اجماع در سطح ملی و تعامل سازنده و همکاری مؤثر با دنیای خارج خواهد بود. هدف این راهبرد کلی حفظ و تقویت امنیت

ملی ایران، خنثی سازی یا حذف تهدیدات بیرونی، مبارزه با اسلام هراسی و ایران هراسی، ارتقای جایگاه کشور، و نیل به پیشرفت فراگیر خواهد بود. به طور کلی در نظام گفتمانی دولت یازدهم، عنصر آرمان گرایی همراه با عنصر واقع بینی به صورت متوازن مطرح بوده است که از رهگذر ترویج نظام مطلوب خود، افزون بر پذیرش رسالت آرمان گرایانه و شالوده شکن خود، به مقتضیات و چارچوب های فعلی نظام بین الملل و حرکت در مسیر آن، توجه داشته است (محمودخانی و کشیشیان، ۱۳۹۵، ۲۳).

۳-۲-۶- خاستگاه حزبی و گفتمانی و نقش آن در سیاست خارجی روحانی

در نظریه واقع گرایی نوکلاسیک، شخصیت های ملی، سیاست حزبی و ساختار اجتماعی و اقتصادی به عنوان عوامل اثربخشی در رفتار دولت ها در سیاست خارجه نقشی مهم بر عهده دارند (Rose, ۱۹۹۸, ۱۴۸)، گفتمان اعتدال خصیصه مهم دیگری نیز در عرصه سیاست خارجی داشت آن هم دنبال کردن نوعی سیاست دوستی به جای تکیه بر ایدئولوژی انقلابی یا صدور انقلاب بوده است. به همین منظور تلاش دولت اعتدال بر آن بود تا بتواند ضمن پرهیز از دامن زدن به دوگانگی و یا تکرار ادبیات منبعث از الهیات سیاسی، ادبیات دیپلماتیکی را پیشه خود سازند. گفتمان اعتدال گرایی و منشأ حزبی میانه رو روحانی، باعث شد که سیاست خارجی دولت او بر مذاکره، تنش زدایی و احیا روابط با غرب متمرکز شود. این دیدگاه بر خلاف سیاست ایدئولوژیک و تقابلی دولت پیشین بود و محصول اثر مستقیم خاستگاه حزبی و گفتمانی بر جهت گیری سیاست خارجی به ویژه در موضوع مهمی چون پرونده هسته ای بود.

۴-۲-۶- توانایی سطح ملی و سیستمی در سیاست خارجی

واقع گرایی نوکلاسیک بر تکامل هم زمان سیستم بین المللی و متغیرهای داخلی توجه نشان می دهد و چنین مطرح کرد که برای درک مسائل سیاست خارجی نیازمند در نظر گرفتن منطق رئالیسم ساختاری و سیاست خارجی هستیم (Waeber ۲۰۰۹, ۲۲۱). بر همین اساس دولت روحانی سعی کرد تا با تشریح مسئله هسته ای جمهوری اسلامی ایران و اجرای توافقاتی با غرب، تهدیدهای ناشی از این موضوع را برای کشورهای منطقه تشریح کند تا سوءظن ها در این زمینه از بین برود.

چنین به نظر می رسد گفتمان اعتدالی دولت یازدهم با تعریف متوازن از هویت ملی و سایر عناصر گفتمان خود همچون انقلاب اسلامی، نظم بین الملل در رویکردی تهاجمی، نگاه مثبتی به بازیگران مؤثر در امنیت منطقه ای خود داشته است و از این راه با تعدیل سیاست های جمهوری اسلامی ایران، سعی در نشان دادن گفتمانی متفاوت با گفتمان دولت دهم داشته است (محمودخانی و کشیشیان، ۱۳۹۵، ۲۹).

استقلال ادبیات حاکم بر رویکرد سیاست خارجی روحانی از الهیات سیاسی و ایدئولوژیکی رایج در دوره قبلی نشان دهنده توجه به متغیر سیستم و در نظر گرفتن آن در راستای تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است. ضمن اینکه عرصه سیاست خارجی در دولت روحانی با برجسته کردن «خشونت زدایی»، «حمایت از صلح و امنیت جهانی»، خواستار احیای جایگاه ایران و نقش آفرینی مجدد آن در سطح نظام بین الملل شده بود. به این دلیل که تکرار مداوم ادبیات سیاسی ایدئولوژی محور در چارچوب گفتمان اصول گرایی، تعامل ایران با کشورهای جهان را با دشواری روبرو ساخته بود.

۵-۲-۶- دیپلماسی اقتصادی در دولت روحانی

در دولت روحانی یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی، تغییرات اقتصادی و کمک به توسعه و رفاه ملی از طریق تعامل سازنده و احترام متقابل و مؤثر در روابط بین الملل عنوان شده است. گرچه این موضوع در دولت های پیشین نیز به نوعی دنبال می شد، اما به نظر می رسد که دولت روحانی اولویت ویژه ای به دیپلماسی اقتصادی در قالب گفتمان اعتدال گرایی و در چارچوب اسناد کلان راهبردی کشور داده است. به همین دلیل می توان در یافت که دولت های یازدهم و دوازدهم سیاست خارجی خود را اقتصادمحور اعلام داشته اند (دهقانی فیروزآبادی و دامن پاک جامی، ۱۳۹۴، ۱۶-۱۵). در دیپلماسی اقتصادی، نگاه اصلی بر روی کاربردی ساختن دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشور در جهت توسعه اقتصادی است که اهداف توسعه ای کشور را مورد اهمیت جلوه می دهد. لذا اصل مورد اهتمام دولت روحانی در راستای تحقق این هدف، در قالب تعامل سازنده در عرصه بین الملل، متناسب با یک دولت توسعه گرا قلمداد می شود. این نگرش بدان معناست که بدون تعامل سازنده با دیگر کشورها،

نمی‌توان منافع کشور را تأمین کرد و توسعه اقتصادی بدون توجه به بازارهای جهانی و تعامل سازنده با آن‌ها بر مبنای احترام متقابل و منافع مشترک امکان‌پذیر نیست (بشیری، ۱۳۹۳، ۱۸۱).

۷- عمل‌گرایی در سیاست خارجی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی

عمل‌گرایی دولت‌ها بستگی به معیارهای ارزیابی، اهداف سیاست خارجی و شرایط بین‌المللی آن زمان دارد. هر کدام از دولت‌ها عناصر گفتمانی متفاوتی را در سیاست خارجی در پیش گرفته‌اند. اگر عمل‌گرایی به معنای تلاش برای ایجاد تغییرات ملموس در فضای بین‌المللی و استفاده از دیپلماسی برای رفع تحریم‌ها و بازکردن کانال‌های همکاری در نظر بگیریم دولت روحانی عمل‌گرا تر بوده است.

با توجه به عناصر گفتمانی دو دولت در عرصه سیاست خارجی، سیاست‌ها و گفتمان دولت روحانی به واقع‌گرایی نوکلاسیک نزدیک‌تر و همخوانی بیشتری دارد. او ضمن درک فشارها و ساختار نظام بین‌الملل (تحریم‌ها، قدرت آمریکا و اتحادیه اروپا) سیاست خارجی خود را با ملاحظات داخلی مانند (وضعیت اقتصادی و نیاز به رفع تحریم‌ها) در پیش گرفت.

۷-۱- عمل‌گرایی در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد

۷-۱-۱- اصول‌گرایی اسلامی

طیفی که از سال ۱۳۸۴ در مقام ریاست جمهوری ایران نشست، می‌توان دارای گرایش‌های انقلابی-سنتی دانست، که در آن نوعی تأکید بر ارزش‌های اولیه انقلاب و سنت انقلابی دیده می‌شود. در این سنت فکری، عناصر تجدیدخواهی کم‌رنگ شده و به جای آن، تفاسیری انقلابی از منابع و قواعد شکل‌دهنده به هویت انقلابی، برجسته می‌شود. در حوزه فرهنگی و ارتباط با فرهنگ‌های دیگر بر مفاهیمی چون تهاجم، امپریالیسم، شبیخون، استحاله و ناتوی فرهنگی توجه شده (صدیق سروستانی و دیگران، ۱۳۸۹، ۱۷) و طبعاً دارای رویکردی تهاجمی و بدبینانه به نظام جهانی است. اصول‌گرایان اسلامی و گروه‌های موسوم به راست جدید در دوره احمدی‌نژاد با گرایش تقدیرگرایانه که در عین حال با سوءظن و بیگانه‌هراسی تاریخی نیز آمیخته شده بود، نظام بین‌الملل را مملو از بی‌عدالتی و ظلم می‌دیدند و برای مقابله با آن بر مؤلفه‌های ایدئولوژیک تأکید کردند. آنان از دو آموزه دینی و اعتقادی شیعه یعنی عدالت و شهادت‌طلبی در جهت پیشبرد اهداف خود که همانا مقابله با نیروهای خارجی بود، بهره بردند و هر گونه رنج و مصیبت ناشی از فشارها و تهدیدات جهان غرب را با روحیه افراطی اصول‌گرایی خویش مورد پذیرش قرار دادند. لذا تحقق آرمان عدالت‌خواهی در اهداف سیاست خارجی این طیف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰، ۲۶۷-۲۶۶). بنابراین تأمین منافع ایران با حفظ استقلال در تمامی ابعاد و در عین حال، تعامل با نظام جهانی بر اساس اصول عدالت و صلح و عزت ملی و همچنین مبارزه با بی‌عدالتی و تبعیض به دست می‌آید (خلیلی، ۱۳۹۰، ۱۵). به عقیده یکی از پژوهندگان، گفتمان سیاست خارجی دوره احمدی‌نژاد را می‌توان گفتمان مقاومت غیرمتوازن نام‌گذاری کرد؛ چرا که گروه‌های راست جدید و اصول‌گرا با فشارهای امنیتی ایالات متحده و جهان غرب به مقابله برخاسته و بر واکنش سیاسی فراگیر در قالب هویت‌گرایی ایدئولوژیک تأکید داشتند. به عقیده آنان هر گونه عقب‌نشینی در برابر زیاده‌خواهی‌های غرب منجر به اعمال فشارهای جدیدتر و شدیدتر از سوی آن‌ها می‌شود و لذا باید به مقاومت همه‌جانبه در برابر آنان ادامه داد (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰، ۲۶۸-۲۶۷).

۷-۱-۲- روابط با شرق و شیوه تهاجمی نسبت به غرب

رویکردهای سیاست خارجی دوره خاتمی در زمان احمدی‌نژاد با تجدید نظر همراه بود. از جمله سیاست‌های روابط با غرب و به خصوص کشورهای اروپایی. این تغییر در تلقی سیاست خارجی، با سیاست‌های نگاه به شرق و یا سیاست موسوم به «چرخش به شرق» و روابط با کشورهای روسیه، چین و هند جایگزین شد. از نمونه‌های بارز این تغییر نگرش، گسترش روابط سیاسی و تجاری ایران با کشورهای همچون روسیه بود (نوری، ۱۳۸۹، ۳۷). ادامه این استراتژی با نزدیکی ایران به سوی کشورهای انقلابی منطقه آمریکای لاتین در واکنش به سلطه ایالات متحده دنبال شد. لذا تقویت جبهه مقاومت علیه آمریکا ایجاب می‌کرد تا ایران به لحاظ اقتصادی و سیاسی این کشورها را مورد حمایت قرار دهد.

اساساً سنخ شخصیتی احمدی‌نژاد، ایدئولوژیک‌گرا با روحیه برتری‌طلبی مبارزه‌جویانه، منجر به پیشبرد سیاست خارجی فعال و تهاجمی به‌جای رویکرد منفعل و تدافعی شد (کشتگر، ۱۳۹۰، ۱۹). به عقیده وی، بهترین دفاع حمله است. سیاست خارجی منفعل ناشی از عدم خودباوری و نبود اعتماد به نفس است و به دلیل خود-کم-بینی، در نهایت توان دفاع از منافع ملی در حوزه‌های نرم و سخت را از دست خواهد داد. در دوره احمدی‌نژاد سیاست خارجی ایران تهاجمی و ستیزه‌جویانه شده بود و این امر باعث نگرانی در واشنگتن، مراکز اروپایی و کشورهای همسایه شد. (Bhatnagar, ۲۰۱۲, P. ۳۸) تهاجمی شدن سیاست خارجی محمود احمدی‌نژاد نسبت به غرب ناشی از ترکیبی از عوامل داخلی (سطح واحد) و بین‌المللی (سطح سیستم) بود که در غالب یک جهت‌گیری گفتمانی خاص و برداشت خاص از نظام جهانی بروز یافت.

۳-۱-۷- رویارویی با رژیم اسرائیل

تمایزسازی و متفاوت بودن با سایر بازیگران عرصه بین‌الملل و تلاش برای هویت‌سازی از طریق تمایز با دیگران از جمله خصایص سیاست خارجی دوره احمدی‌نژاد بود که ضدیت با رژیم اسرائیل و شناخت دوست و دشمن به مثابه مؤلفه‌های هویتی و ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی در این دوره برجسته‌تر شده بود (Aspal, ۲۰۱۵, P. ۶۷). نظام اسلامی در وجه هویت‌خواهی شیعی خود را متعهد به جهاد با رژیم اسرائیل و غرب می‌داند. بدین ترتیب، رژیم اسرائیل و ایالات متحده به عنوان «دگر» در استراتژی سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد معرفی شده است (علیپوریان، ۱۳۹۳، ۶۸). در این نگرش، توطئه دشمنان انقلاب اسلامی، دیگر توهّم توطئه نبود بلکه مرز بین دوست و دشمن مشخص بود. بر این اساس، صهیونیست‌ها، نظام سرمایه‌داری و ایالات متحده به‌منزله دشمن و «غیر» شناخته می‌شد که رویارویی با آن اصل ضروری در سیاست خارجی تلقی شد.

به نظر می‌رسد سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد یکی از پر تنش‌ترین دوره‌های تاریخ دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران بود. این سیاست‌ها پیامدهای مثبت و منفی متعددی برای کشور به همراه داشت که عبارتند از: ۱- پیامدهای مثبت شامل؛ گسترش روابط با کشورهای آمریکا لاتین، آسیا و آفریقا، افزایش همکاری با قدرت‌های نو ظهور، حمایت از محور مقاومت، بیان گفتمان عدالت‌خواهی و مبارزه با امپریالیسم. ۲- پیامدهای منفی شامل؛ تنش شدید با کشورهای غربی، پرونده هسته‌ای و تحریم‌ها، سوء مدیریت دیپلماتیک، تأثیر منفی بر اقتصاد و معیشت مردم، انزوای سیاسی ایران در مجامع بین‌الملل.

۳-۲-۷- عمل‌گرایی در سیاست خارجی دولت حسن روحانی

با روی کار آمدن دولت حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ به‌عنوان دولت عمل‌گرا «سیاست اعتدال» راهبرد سیاست خارجی تغییر یافت. اصول و محورهای این راهبرد شامل محورهای هم‌چون؛ تعامل سازنده، دوری از تنش و تنش‌زدایی، عقلانیت و تدبیر در عرصه سیاست خارجی، اعتمادسازی، بهبود چهره، تصویر و پرستیژ ایران در عرصه جهانی، دیپلماسی فعال و پویا، تلاش برای متوازن نمودن و بهبود روابط با کشورهای جهان به‌خصوص با کشورهای همسایه می‌شود؛ تلاش برای مذاکره در خصوص برنامه‌های هسته‌ای کشور از نمونه‌های بارز این تنش‌زدایی محسوب می‌شود. لذا اصل تنش‌زدایی را سرلوحه برنامه خود در قبال کشورهای منطقه قرار داد. از اتخاذ رویکردی رادیکال و ستیزه‌جو در قبال این کشورها پرهیز نمود.

با انتخاب «حسن روحانی» و روی کار آمدن دولت یازدهم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی با دگردیسی‌های جدیدی مواجه شد و توجه به کشورهای همسایه و منطقه به عنوان اولویت اصلی مطرح گردید و دولت یازدهم با راهبرد تعامل سازنده و سیاست تنش‌زدایی، نظم مورد نظر خود که همان نظم منطقه‌ای پایدار است، دنبال می‌کند. از مهم‌ترین جنبه‌های تنش‌زدایی در دولت روحانی را می‌توان دوری از تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و لزوم برقراری ارتباط، پیگیری دیپلماسی برد - برد، رعایت احترام متقابل، تدبیر و اعتدال در سیاست خارجی، ضرورت پرهیز از درگیری ایدئولوژیکی، ضرورت جدی جهت حفظ بازدارندگی، آمادگی عملی جهت همزیستی مسالمت‌آمیز دانست. (بشیری، ۱۳۹۳، ۹۸).

مهم‌ترین شاخص‌های سیاست خارجی دولت روحانی شامل محورهای مانند: ۱- تکیه بر دیپلماسی حرفه‌ای و نهاد گرایانه ۲- اولویت دادن به منافع ملی بر اصول ایدئولوژیک ۳- تنش‌زدایی با جهان و به ویژه غرب ۴- انعقاد توافقات بین‌المللی در راستای کاهش فشارها ۵- پرهیز از ماجراجویی در منطقه و مهار هزینه‌های منطقه‌ای ۶- دیپلماسی اقتصادی فعال.

۷-۲-۱- تنش‌زدایی و لزوم برقرای تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی

از جمله رویکردهای دولت روحانی در عرصه سیاست خارجی، نشان دادن تصویری منطقی و معقول در روابط با کشورها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف دوری از درگیری و تنش و متعاقب آن، همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر کشورها بود. بر این اساس، با تلاش‌هایی که در عرصه دیپلماسی صورت پذیرفت، روابط با دیگر کشورها بالاخص کشورهای غربی از حالت تهاجمی و مقابله در دولت گذشته به تعاملات منطقی و سازنده در دولت اعتدال انجامید. رویکرد دولت روحانی نسبت به نگرانی کشورهای منطقه درباره برنامه هسته‌ای ایران معیار مهمی برای نظم منطقه‌ای خاورمیانه به حساب می‌آمد. در همین راستا دولت روحانی مذاکرات هسته‌ای را دنبال کرد و برجام را به تصویب رساند. اگر بخواهیم نگاهی دقیق به پیامدهای اجرایی شدن برجام بر نظم و امنیت خاورمیانه داشته باشیم باید بگوییم این توافق منطقه را از یک بحران غیر ضروری که برخی کشورها از آن در راستای پیشبرد اهداف جنگ طلبانه خود و بی‌ثبات کردن منطقه بهره‌برداری می‌کردند رها کرد و بهانه را از جنگ طلبان برای تداوم سیاست‌های بحران سازشان گرفت (رضایی و ترابی، ۱۳۹۲، ۱۳۲).

در رویکرد اعتدال‌گرایی، تعامل مؤثر و سازنده با دنیای خارج از مؤلفه‌ها و اسلوب‌های تأثیرگذار در جهت‌گیری سیاست خارجی محسوب می‌شود که در قالب همزیستی مسالمت‌آمیز و اعتمادسازی و تنش‌زدایی و احترام به منافع مقابل دیگر کشورها قابل تعریف است. چنانچه در زمان روی کار آمدن دولت روحانی، با تلاش‌های غرب و حمایت‌های آمریکا، ایران به عنوان یک پدیده امنیتی تهدیدآفرین برای منطقه و جهان، قلمداد می‌شد و به سمت امنیتی شدن پیش رفت. در چنین شرایطی، یکی از اصول سیاست خارجی دولت روحانی تلاش همه‌جانبه در جهت از بین بردن این طرز تلقی و باور تحمیلی علیه ایران بود (همان، ۱۳۹۲، ۱۴۸) که با در پیش گرفتن نگاه تعاملی و دیپلماتیک با غرب و حتی ایالات متحده بر سر موارد چالشی در بستری از اعتماد و احترام متقابل و گفتگوهای دوا چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی، بتوان این باور را در خصوص ایران از بین برد و آن را از فضای امنیتی ایجادشده توسط اجماع جهانی علیه کشور رهایی بخشید (صالحی، ۱۳۹۲، ۲۶).

۷-۲-۲- دیپلماسی برد- برد

در دیپلماسی برد- برد یا بازی با حاصل جمع مثبت، برخلاف بازی با حاصل جمع صفر هر یک از طرفین تعامل و مذاکره در پی توافقی هستند که در عین کسب امتیازات نیز به دیگر رقبا امتیاز دهند. این شیوه با چانه‌زنی و مذاکره به دنبال کسب بیشترین امتیاز برای خود و همین‌طور برای دیگران است (Karlin, ۲۰۱۶, P. ۳۴). دیپلماسی برد-برد با شیوه انعطاف و مذاکره، طبیعتاً طرف‌های دعوا را به چانه زنی و بده بستان دعوت می‌کند. همان‌طور که این رویه در دولت روحانی با توجه به شناخت موقعیت کشور در صحنه جهانی در جهت مدیریت مطلوب چالش برنامه هسته‌ای ایران با هدف بهبود اوضاع فعلی کشور در جهان پیگیری شد و به سرانجام رسید. بهره‌مندی از این روش در سیاست خارجی به معنای آن بود که در مقابل اذعان کردن به صلح‌آمیز بودن برنامه‌ها و فعالیت‌های هسته‌ای از سوی طرف‌های مذاکره، ایران نیز در چارچوب آژانس اعتمادسازی کند و تضمین نماید که فعالیت‌های هسته‌ای کشور مسیر صلح را در پیش خواهد گرفت (روحانی، ۱۳۹۱، الف، ۱۱۶). برجام تجلی روشن عقلانیت، عملگرایی و دیپلماسی برد-برد در سیاست خارجی حسن روحانی بود. این توافق نشان داد که ایران می‌تواند با حفظ اصول از راه تعامل و مذاکره نیز منافع ملی را تامین کند.

۷-۲-۳- واقع بینی و توازن میان منافع ملی و فراملی

عنصر واقع بینی در مقایسه با عنصر آرمان گرایی در گفتمان اعتدال‌گرا، از جایگاه برتری برخوردار است به این معنی که پیگیری اهداف ملی و فراملی تنها با داشتن یک نگاه واقع‌بین و شناخت واقعیت‌های خارجی و امکانات و مقدرات داخلی و همچنین به دور از افراط و تعصب امکان‌پذیر است. این به معنای غفلت از آرمان‌ها و ارزش‌ها نیست، بلکه متضمن آرمان خواهی و مکمل آن است. لذا واقعیت‌های داخلی و خارجی، به صورت توأمان مورد توجه است. یکی از خصایص این طرز تلقی، پرهیز از ایدئولوژیک نمودن مسائل است که تنها با توازن بین واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی و تعادل بین اهداف ملی و فراملی به دست می‌آید؛ چراکه از یک سو ماهیت اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر، حفظ تعادل و توازن به عنوان یکی از خصایص و ویژگی‌های رویکرد اعتدالی، ایجاب می‌کند که در سیاست خارجی بر توأمانی منافع ملی و فراملی با مصالح اسلامی توجه جدی صورت گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴، ۳۴).

در این رویکرد، اگرچه واقع بینی در سیاست خارجی یک اصل است، اما در عین حال باید با توجه به ارزش‌ها و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران همخوانی داشته باشد و بین واقع بینی و آرمان خواهی، توازن لازم برقرار باشد. اعتدال در بستر واقع گرایی موجبات پیروزی را فراهم می‌کند و شناخت واقعیات نظام بین‌الملل، نوع رفتارها و مواضع را در بیشینه‌سازی منافع ملی سبب می‌شود. لذا باید تصمیمات، منطبق با شرایط واقعی جهانی، رفتار سایر بازیگران و توانایی‌های ملی باشد. براساس این دیدگاه، دو عنصر جمهوریت و اسلامیت بیانگر جنبه‌های واقع گرایانه و آرمان گرایانه نظام جمهوری اسلامی ایران است.

۴-۲-۷- گفتمان تدبیر و اعتدال و رویکرد دیپلماسی در برنامه هسته‌ای

از جمله مسائلی که موضوع جدال و کشمکش در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی طی قریب به یک دهه گذشته بوده است، برنامه هسته‌ای ایران است که از دوران خاتمی مطرح و در زمان احمدی‌نژاد ادامه یافت. بی‌تردید یکی از عوامل پیروزی آقای روحانی در انتخابات نگاه متفاوت وی به موضوع هسته‌ای بود که در قالب نگرش اعتدالی قابل بررسی است. بدین معنا که مسئله هسته‌ای کشور در کنار سایر منافع ملی از جمله منافع اقتصادی و ضروریات داخلی و خارجی باید لحاظ شود. لذا روحانی با نقد سیاست‌های پیشین در زمینه هسته‌ای معتقد به سیاستی معقول و منطقی با رویکردی دیپلماتیک و تعاملات سازنده بود تا از این طریق بتوان ضمن داشتن حق غنی‌سازی، تهدیدها و تحریم‌ها را نیز برداشت و با اعتمادسازی در روابط بین کشورها، ایران را از محور امنیتی شدن خارج ساخت. همانطور که گفته شد، از دل‌نگرانی‌های عمیق اروپا و آمریکا، توافق هسته‌ای با ایران بود که اروپا را به سیاست‌های ایالات متحده نزدیک ساخت. این امر منجر به امنیتی شدن کشور در داخل و ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در خارج شد. ادامه چنین فضایی، منافع ایران را هر چه بیشتر با تهدید مواجه کرد. تا اینکه صحبت از انعطاف و رفع چالش‌ها، شرایط را به شکل دیگری رقم زد. به‌طوری که به مذاکرات فشرده جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های جهانی و در نهایت امضای برجام انجامید. لذا سیاست انعطافی و مذاکراتی تیم سیاست خارجی دولت روحانی، لحن و اسلوب اتحادیه اروپا را در برخورد با برنامه‌های هسته‌ای ایران با چرخش قابل توجهی مواجه کرد. تا جایی که برخی از مسئولین اتحادیه اروپا از برخورداری ایران از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای سخن به میان آوردند (خلیلی، ۱۳۹۳، ۱۴۳). بنابراین برنامه هسته‌ای با دیپلماسی مذاکره دولت روحانی به برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به برجام انجامید و ایران از ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد خارج شد و بخشی از نگرانی و تهدید ناشی از آن مرتفع شد. حل این موضوع روابط ایران را با بسیاری از کشورها از جمله، با کشورهای اروپایی تلطیف نمود و اجماع بین‌المللی علیه ایران شکست (نوازی، ۱۳۹۴، ۶). رویکرد دیپلماسی و مذاکره در سیاست خارجی دولت روحانی، زمینه را برای کاهش فشارهای سیاسی و روانی فراهم ساخت و فصل جدیدی از روابط و تعاملات را با کشورهای دیگر از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپا ایجاد کرد و به تقویت چندجانبه‌گرایی در سطح بین‌الملل انجامید. همچنین جایگاه ایران را در تعیین و اثرگذاری بر معادلات سیاسی منطقه افزایش دهد (کومار پانندی، ۱۳۹۴، ۵۹). از این رو، برجام به عنوان دستاورد مذاکرات در برنامه هسته‌ای، منجر به قدرت ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شد و به جمهوری اسلامی جایگاهی برتر بخشید و زمینه را برای چندجانبه‌گرایی و اثبات حقانیت و صلح‌آمیز بودن برنامه‌های هسته‌ای کشور فراهم ساخت. ، کاهش فشار تحریم‌ها و افزایش توان ایران برای ایفای نقش‌های بین‌المللی فراهم نمود و جایگاه منطقه‌ای و منزلت بین‌المللی ایران تقویت شد (خلیلی، ۱۳۹۵، ۱۵۳). به دنبال این تحول، فضای جدیدی برای همکاری با کشورهای دنیا و پیش‌نیازی برای گسترش ارتباطات بین‌المللی در فضای صلح و به دور از تهدید و ایران‌هراسی شکل گرفت.

به نظر می‌رسد عملکرد سیاست خارجی دولت روحانی پیامدهای متعددی در عرصه داخلی و بین‌المللی داشت. این عملکرد به ویژه حول محور برجام (برنامه جامع اقدام مشترک)^۱ شکل گرفت. و اثرات آن در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قابل بررسی است. این سیاست‌ها پیامدهای مثبت و منفی متعددی برای کشور به همراه داشت که عبارتند از: ۱- پیامدهای مثبت شامل؛ توافق هسته‌ای، کاهش تنش با غرب، لغو برخی تحریم‌ها، افزایش فروش نفت و دسترسی به منابع ارزی، تقویت چندجانبه. ۲- پیامدهای منفی شامل؛ وابستگی بیش از حد به برجام، بی‌توجهی به ظرفیت‌های منطقه‌ای، افزایش دوگانگی در سیاست خارجی.

^۱ Joint Comprehensive Plan of Action

سیاست خارجی دولت روحانی با تمرکز بر تعامل و مذاکره توانست در دوره ای تنش ها را کاهش دهد و فضا را برای رشد اقتصادی باز کند اما اتکا بیش از حد به برجام و بی توجهی به تهدید های ساختاری ، در نهایت موجب شد بخش مهمی از این دستاورد ها موقت یا برگشت پذیر باشد.

نتیجه

دستگاه سیاست خارجی هر کشوری در پی بیشینه سازی منافع ملی خویش از اسلوب ها و الگوی های مختلفی پیروی می کند که نقش هر یک از آن ها ممکن است با توجه به رویه دولت ها و شرایط نظام بین الملل متغیر باشد. در این میان، متغیرهای سطح واحد (ملی) و سطح سیستم (بین المللی) مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر نحوه کنش بازیگران چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین المللی است. تمامی این تلاش ها در جهت دستیابی به منافع ملی در سطح نظام [بین الملل] است. با توجه به چارچوب تحلیلی پژوهش حاضر یعنی واقع گرایی نوکلاسیک، عمل تنظیم سیاست خارجی جمهوری اسلامی متأثر از دو سطح بازیگر و نظام است.

نحوه نگرش دو دولت روحانی و احمدی نژاد برداشت های متفاوتی را در میان دانش پژوهان داخلی و خارجی در زمینه سیاست خارجی به ارمغان آورده است که هر یک در جای خود قابل تأمل می باشد. اما مقاله حاضر ادعای خود را در زمینه سیاست خارجی این دو دولت و میزان نقش عمل گرایی در تصمیمات سیاست خارجی این گونه به اثبات رسانده است که با توجه به رویکرد واقع گرایی نوکلاسیک، دو دولت احمدی نژاد و روحانی برداشت متفاوتی از عمل گرایی در تصمیم گیری سیاست خارجی کشور داشته اند. در این میان اقتضائات نظام بین الملل، متغیر و ساختار قدرت داخلی نقش تعیین کننده ای ایفا کرده است، به این معنا که عمل گرایی در دولت احمدی نژاد یک واکنش و مقاومت در برابر قدرت های بزرگ جهانی و منطقه ای بوده، اما در دولت روحانی عمل گرایی به معنای تعامل سازنده با غرب از طریق تنش زدایی، اعتماد سازی و دوری از امنیتی شدن کشور بوده است. از آنجا که دولت ها در تصمیمات سیاست خارجی خود اهتمام ویژه ای به مسائل کلان اقتصادی دارند، در این میان، دولت اعتدال گرای روحانی با اهتمام به دیپلماسی اقتصادی در چارچوب دولت توسعه گرا و تعامل سازنده با غرب، زمینه را برای چاره جویی در برنامه های هسته ای با رویکردی دیپلماتیک فراهم ساخت. به طوری که با به سرانجام رسیدن توافق هسته ای و غیرامنیتی کردن کشور، زمینه برای دیپلماسی موفق اقتصادی در دوره پسابرجام هموارتر شد.

نگرش دولت احمدی نژاد به سیاست خارجی بر اساس روحیه عدالت و شهادت طلبی استوار بوده که عرصه بین الملل و بازیگران آن را منشأ بی عدالتی و تنش محسوب می کرد که همین امر شرایط منازعه در جهان و منطقه را به وجود آورد. این در حالی است که برداشت نگاه سیاست خارجی روحانی نسبت به عمل گرایی در غالب توافقات و معاهدات بین المللی، احترام متقابل بازیگران عرصه بین المللی نسبت به یکدیگر چشم انداز سیاست خارجی را در یک نگاه دوربرد به سمت کاهش منازعه و متعاقب آن دوری از تنش و همزیستی مسالمت آمیز سوق می داد.

براساس چهارچوب تحلیلی واقع گرایی نوکلاسیک دولت احمدی نژاد، در چهارچوب سیاست خارجی تهاجمی و ایدئولوژیک تلاش کرد از عمل گرایی در جهت کاهش فشارهای بین المللی، دور زدن تحریم ها و گسترش روابط با دولت های غیر همسو با غرب بهره گیرد. همکاری نزدیک با کشورهای امریکای لاتین رویکردی دوگانه نسبت به پروژه هسته ای، افزایش تعامل و همکاری اقتصادی با چین و روسیه و نیز ابتکارانی همچون توافق تهران با برزیل و ترکیه نشان دهنده نوعی عمل گرایی تاکتیکی برای حفظ منافع ملی در شرایط انزوا بود. در مقابل دولت روحانی رویکردی مبتنی بر تعامل، تنش زدایی و بازسازی روابط بین المللی را در پیش گرفت. امضا توافق برجام، توسعه دیپلماسی منطقه ای و تلاش برای جذب سرمایه خارجی نمونه هایی از عمل گرایی هدفمند و استراتژیک بود که با هدف رفع تحریم ها، افزایش مشروعیت بین المللی و بهبود شرایط اقتصادی کشور صورت گرفت.

در مجموع می توان گفت عمل گرایی در سیاست خارجی احمدی نژاد بیشتر جنبه تاکتیکی و واکنشی داشت و با تمرکز بر مقابله با فشارهای غرب از طریق هم پیمانی های سیاسی خاص تعریف می شد. اما در دولت روحانی، عمل گرایی جنبه استراتژیک و ساختاری پیدا کرد و در غالب دیپلماسی چند جانبه و تعامل محور با هدف تأمین بلند مدت منافع ملی دنبال شد. بنابراین اگر چه هر دو دولت از ابزار عمل گرایی بهره بردند اما نوع نگاه به نظام بین الملل، در وجه انعطاف پذیری و روش های اجرایی تفاوت های بنیادین را در رفتار سیاست خارجی آنها رقم زد.

جمع بندی تحلیلی به صورت فهرست وار:

• سطح عمل گرایی:

- احمدی نژاد: عمل گرایی محدود و گزینشی غالباً با ایدئولوژی گرایی.
- روحانی: عمل گرایی ساختاری و مصلحت محور با تمرکز بر منافع اقتصادی و دیپلماسی بین المللی.

- رویکرد مذاکرات بین المللی :
- احمدی نژاد : تقابل محور و چالش برانگیز (پرونده هسته ای و شورای امنیت)
- روحانی : تعامل محور و دیپلماسی گرا (برجام و گفتگو با غرب)
- سیاست منطقه ای :
- احمدی نژاد : مداخله جویانه و ایدئولوژیک (حمایت از محور مقاومت)
- روحانی : موازنه گر و تعدیل شده (گرایش به کاهش تنش های منطقه ای)
- نگاه به غرب :
- احمدی نژاد : بی اعتمادی عمیق و رویکرد تقابلی
- روحانی : اعتماد مشروط و بهره گیری از ظرفیت های غرب برای توسعه
- سیاست اقتصادی خارجی :
- احمدی نژاد : کم توجه به تحریم ها ، تمرکز بر اقتصاد مقاومتی
- روحانی : رفع تحریم ها از طریق دیپلماسی و جذب سرمایه گذاری خارجی

منابع:

۱. ازغندی، علیرضا ؛ و مرادی جو، علیجان. (۱۳۹۶). «نقش گفتمان آرمان گرایی واقع بین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعه موردی دولت سازندگی، فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی، ۸ (۳۳)، ۲۷-۳۹.
۲. بشیری، عباس. (۱۳۹۳). گفتمان اعتدال، گذری بر آراء و اندیشه های دکتر حسن روحانی، تهران: تیسرا.
۳. حاجی یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۸۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه ای (۱۹۹۱-۲۰۰۱)، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
۴. خلیلی، رضا. (۱۳۹۳). «انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و چشم انداز برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱ (۱۷)، ۵۱-۷۵.
۵. خلیلی، رضا. (۱۳۹۵). «پیامدهای منطقه ای و بین المللی برجام؛ رویکردی استراتژیک»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲ (۷۲)، ۱۳۱-۱۵۸.
۶. خسروی باب اناری، ملک تاج. (۱۳۹۶). «رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم و امنیت منطقه خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دهم، شماره (۳۹)، ۳۱-۵۸.
۷. دامن پاک جامی، مرتضی. (۱۳۹۷). جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی دولت یازدهم، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی پایان نامه دکتر گرایش روابط بین الملل.
۸. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۳). «گفتمان اعتدال گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۸ (۱)، ۱-۴۰.
۹. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۳). «گفتمان هسته ای دولت یازدهم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱ (۱۷)، ۱-۳۵.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ و عطایی، مهدی. (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمان سیاست هسته ای دولت احمدی نژاد»، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل ۴ (۱)، ۲۲-۵۸.
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ و دامن پاک جامی، مرتضی. (۱۳۹۴). «جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی دولت یازدهم»، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۹ (۱)، ۷-۵۲.
۱۲. دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۴). «توافق هسته ای ویر ساخت هویت جدید ایران در افکار عمومی و بین المللی»، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره ۵ (۲)، ۷۴-۱۰۲.
۱۳. ریپسمن، نورین ام؛ و دبلیو تالیافرو، جفری. (۱۴۰۳). نظریه واقع گرایی نوکلاسیک سیاست بین الملل، مترجم محمدرضا بیگدلی، تهران: نشر کتاب پارسه.
۱۴. رضایی، علیرضا؛ و ترابی، قاسم. (۱۳۹۲). «سیاست خارجی دولت حسن روحانی تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه گرا»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، ۱۵ (۵)، ۳۱-۱۶۱.
۱۵. روحانی، حسن. (۱۳۹۱). امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ چهارم.

۱۶. سلطانی گرد فرامرزی، مهدی؛ و اشرفی، اکبر. (۱۳۹۷). «مقایسه گفتمان هسته ای در سیاست خارجی دولت نهم و دهم با گفتمان انقلاب اسلامی»، **فصلنامه مطالعات رابط بین الملل**، ۱۱ (۴۲)، ۱۳-۱۳۱.
۱۷. سلیمی، حسین؛ و ابراهیمی، منا. (۱۳۹۳). «مبانی نظری، فرا نظری و نقد نظریه واقع گرایی نوکلاسیک»، **فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل**، ۱ (۱۷)، ۱۳-۴۲.
۱۸. صادقیان، رضا؛ و موسوی، سیدقاسم. (۱۳۹۶)، «مقایسه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت های خاتمی و احمدی نژاد»، **ماهنامه پژوهش ملل**، ۲ (۱۶)، ۱-۱۸.
۱۹. صالحی، مختار. (۱۳۹۲)، «جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، (۲)، ۴۴۴-۴۱۱.
۲۰. صدیق سروسستانی، رحمت اله؛ و زائری، قاسم. (۱۳۸۹)، «بررسی گفتمان های فرهنگی پسا انقلابی و روند های چهارگانه موثر بر سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران»، **مجله پژوهش نامه**، (۵۴)، ۹-۳۸.
۲۱. علیپوریان، طهماسب؛ و نوری اصل، احد. (۱۳۹۳). «تحول، تغییر گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مقایسه سیاست خارجی دوران احمدی نژاد و روحانی»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، ۷ (۲۵)، ۷۹-۱۰۸.
۲۲. کشتگر، علی. (۱۳۹۰). «جنگ قدرت فرصت یا خطر»، **پژوهش نامه انقلاب اسلامی**، دانشگاه بو علی، (۳)، ۳۵-۶۵.
۲۳. کمالی اردکانی، مسعود. (۱۳۹۵). «تأثیرات برجام بر تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، ۲ (۷۲)، ۵۳-۸۲.
۲۴. کومار پانندی، سانجی. (۱۳۹۴)، «پیامدها و توافق هسته ای بر سیاست های منطقه ای ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، ۳ (۲۹)، ۵۷-۷۸.
۲۵. محمود خانی، زهرا؛ و کشیشان، گارینه. (۱۳۹۵)، «بررسی مقایسه ای گفتمان سیاست خارجی دولت دهم و یازدهم و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه»، **فصلنامه سیاست خارجی**، ۲ (۲)، ۷-۳۵.
۲۶. محمودی کیا، محمد؛ و دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۹)، «نسبت عمل گرایی و ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران، رویکردی راهبردی یا تاکتیکی»، **فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست**، ۹ (۳۲)، ۹-۳۴.
۲۷. متقی، ابراهیم؛ و پوستینچی، زهره. (۱۳۹۰). **الگو و روند در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، قم: دانشگاه مفید.
۲۸. نوری، وحید. (۱۳۸۹) «اولویت های جغرافیایی و عقیدتی در سیاست خارجی دولت نهم»، **فصلنامه سیاست خارجی**، (۲۸)، ۲۷-۵۲.
۲۹. نوزانی، بهرام. (۱۳۹۴). «ارزیابی محافل غربی از پیامدهای خاورمیانه ای برجام برای سیاست خارجی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، ۲۹ (۴)، ۷-۲۶.
۳۰. نیاکویی، سیدامیر؛ و صفری، عسکر. (۱۳۹۶). «راهبرد هسته ای متفاوت ایران؛ تبیین از دریچه واقع گرایی نوکلاسیک»، **فصلنامه سیاست جهانی**، ۲ (۲۰)، ۸۵-۱۲۲.

۳۱. Aspal, Rcont Jewry (۲۰۱۵). Anti, Semitism and Anti- Zionism in Iran: The Effect of Identity. Threat, and political trust, <http://link. Springer. Com/article/ ۱۰,۱۰۰۷/s ۱۲۳۹۷-OIS-۹۱۳۳-۶>.

۳۲. Bhatnagar Aryaman (۲۰۱۲). The Impact of Identity politic's on Iranian- American relation. <http://www.e-ir.info./۲۰۱۲/۰۷/۲۶ the impact - of - identity-politics-on-iranianamerican-relations>.

۳۳. Karlin, R. Anna and Yuval peres (۲۰۱۶) Game theory, Alive", in: <http://homes.Cs. Washington. Edu/ karlin/ Game Theory Book Pdf>.

۳۴. Kozen-Kakut, Magdalena (۲۰۱۹), Neoclassical Realist and Foreign Policy Analysis- A Possible way of Integration? teoria polityki ۳ ۲۰۱۹ S. ۲۰۱-۲۲۷ www.egjournals.eu/teoria-polityki doi: ۱۰.۱۴۴۶۷/ ۲۵۴۴۰۸۴۵ TP. ۱۹, ۰۱, ۱۰۲۹۴

۳۵. Lobell, S., Norrin, E., Ripsman, M., Taliaferro, J.W. (۲۰۰۹). Neoclassical Realism, the State and Foreign Policy. Cambridge's, Cambridge University Press.

۳۶. Nariznj,k. (۲۰۱۷). "On Systemic Paradigm and Domestic Politics. Security Studies, ۲۲(۲), PP.۱۵۵-۱۹۰.
۳۷. Rose, G, (۱۹۹۸)," Review: Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy" World Politics, Vol. ۵۱, No. ۱.
۳۸. Waever, O , (۲۰۰۹). "Waltz's Theory of Theory". International Relations, ۲۳(۲), pp. ۲۰۱-۲۲۲
۳۹. Warnaar, Maaik (۲۰۱۳). Iranian Foreign Policy During Ahmadinejad? Ideology and Action, Press: Macmillan
۴۰. Wohlforth, William C, (۲۰۱۱)., No one Loves a Realist Explanation", International Politics, ۴۸(۴/۵), ۴۴۱-۴۵۹.